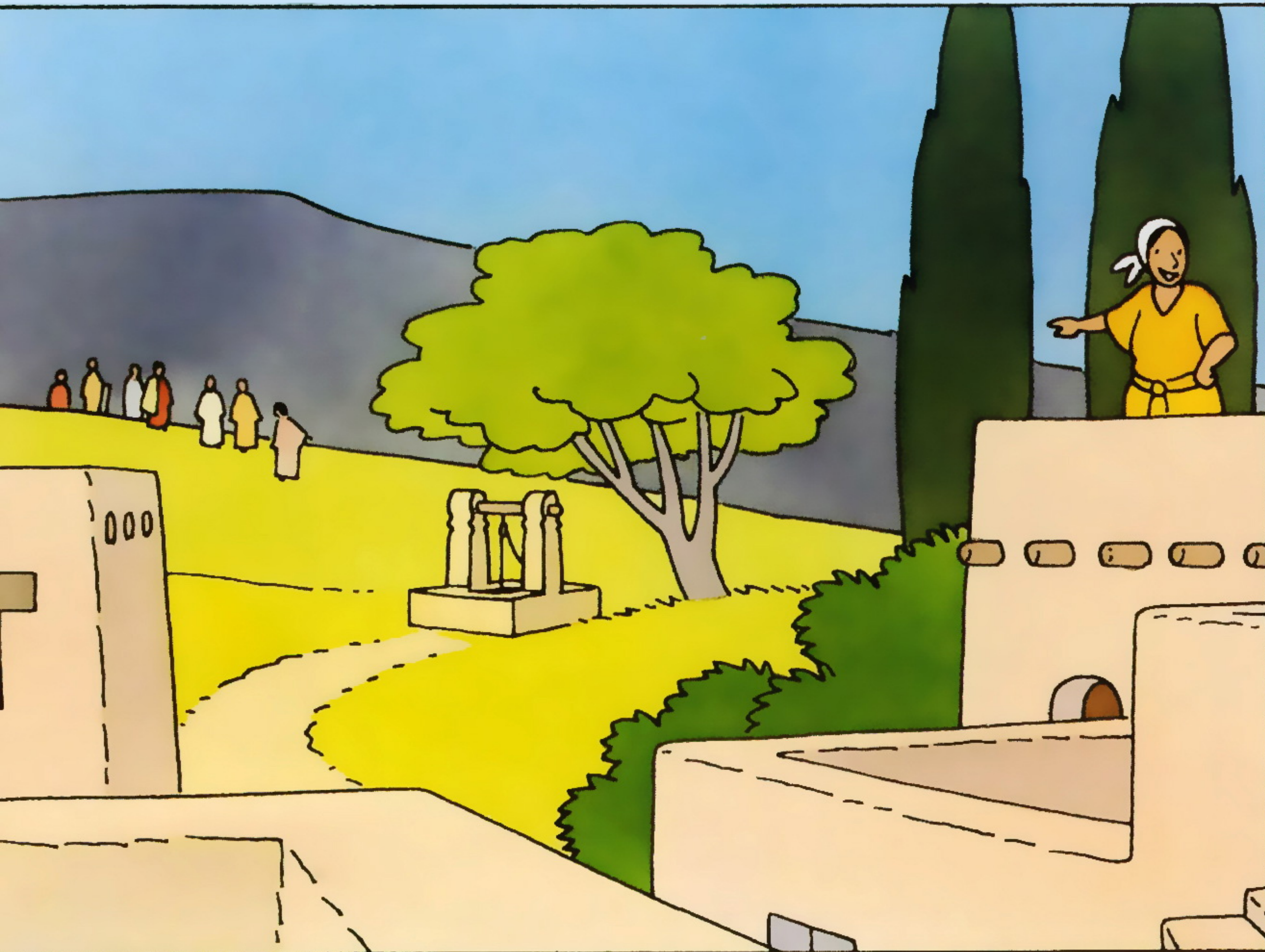


عیسی و شاگردانش از سامره می گذرند. آنها به چاه یعقوب، در نزدیکی شهر سوخار می رسند.



((زن سامری))

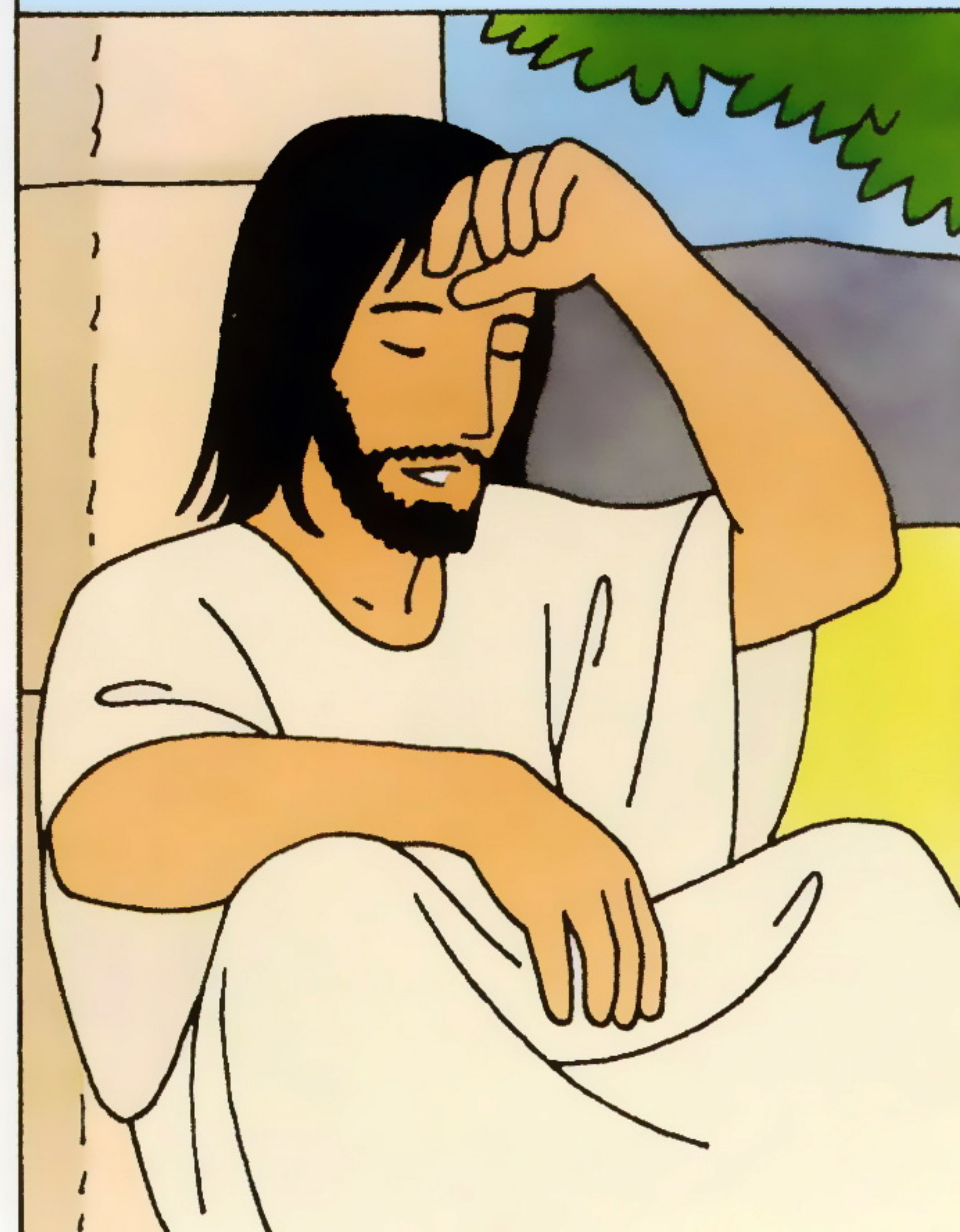
(یوحنا ۴: ۴-۱۴)



زنی سامری برای بردن آب می آید.



شاگردان می روند تا خوراک بخرند. عیسی به انتظار آنها می نشیند. او از راه رفتن خسته شده است.







اگر می دانستی که من کیستم، این تو بودی که از من آب می خواستی!

چی؟ تو که یهودی هستی، از من که زنی سامری هستم آب می خواهی؟



کسی که از این آب بنوشد باز هم تشنه خواهد شد. اما کسی که از آبی که من به او می دهم بنوشد، دیگر هرگز تشنه نخواهد شد! آبی که من به او می دهم در درون او چشمه ای جوشنده خواهد شد برای زندگی جاودان!



اما تو چگونه می توانی به من آب بدهی؟ تو هیچ چیز نداری تا با آن از چاه آب بکشی.